

اعلامیه جبهه مردم افغانستان (جما)

اعلامیه جبهه مردم افغانستان (جما)

تفبیح و تحریم معاملات سازشکارانه سازمان ملل متحد

و مسئولین برگزار کننده کنفرانس ویانا

هشدار جدی به تمام نیروهای ملی - مترقی و سازمان های انقلابی!!!

سازمان های استخباراتی منطقه و فرمانطقه یی یک بار دیگر می خواهند محموله های مندرس و قوادان تاریخ زده، دزدان سرگردنه، قهرمانان خودساخته چهار دهه جنگهای طمع جویانه، خانان ملی و وطن فروشان ذلیل، این فراریان بدنام را از گدام های نمناک و زیرزمینی های متروک شان بیرون کشیده، سیمای سیاه و ضد انسانی شان را صیقل و مانند امارت اسلامی فاسد طالبان بر مردم ما تحمیل کنند.

آهنگی را که موریانه بخورد نتوان برد از او به صیقل زنگ

(سعدی)

نشست امپریالیست ها در دوحه یا پایگاه، سیاسی، اقتصادی و نظامی طالبان در بیست و سه سال گذشته از ادامه درامه توطئه سیاسی جهانخواران به رهبری آمریکا با مزدوران گوش به فرمان او نمایندگی می کند.

پاسخ به این سوال که چرا باید مهندسان پدیده طالبانی، پایتخت قطر را برای راه اندازی این به اصطلاح کنفرانس و به ظاهر اتخاذ تصمیم شان در مورد اجندای مرتبه انتخاب کنند، نزد هر افغان آگاه و صاحب بصیرت روشن است. جایی که طالبان نیز به سادگی می توانستند حضور فیزیکی علنی یا مخفی در آن داشته باشند.

وقتی مسئول بخش آسیایی دیده بان حقوق بشر در آستانه برگزاری نشست دوحه از شرکت کنندگان خواست تا مواضع قاطع شان در مورد حقوق بشر را حفظ کنند و واضح سازند که تنها لغو محدودیتها علیه زنان میتواند «راه تعامل بیشتر» را هموار سازد، خود میبین این حقیقت آفتابی است که نشست دوحه مقدمه ای برای به رسمیت شناختن پدیده منحن طالبانی از سوی اربابان کنونی جهان میباشد.

امینه محمد، معاون سرمنشی ملل متحد طی سمیناری (۱۷ اپریل) در یک پوهنتون امریکایی بر لزوم «تعامل» با طالبان و آمادگی سازمان ملل متحد برای گفتگو با طالبان در مورد به رسمیت شناختن آنها از سوی جامعه جهانی سخن گفت. اما واکنش هایی از سوی جامعه جهانی و موج اعتراضات شدید مردم افغانستان علیه آن، ویدانت پاتل، معاون سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده را روز سه شنبه (پنجم ثور) ناگزیر ساخت که باید اعلام کند: «هرگونه به رسمیت شناختن اداره سرپرست طالبان کاملاً خارج از بحث است». اما در ادامه، موصوف شیدانه افزوده گفت که، «نقض حقوق بشر به ویژه حقوق زنان و دختران «یکی از موانع عمده» در راستای به

اعلامیه جبهه مردم افغانستان (جما)

رسمیت شناختن طالبان بوده است». به این معنی که برای آمریکا و متحدان او تنها مانعی که در برابر به رسمیت شناختن جنایتکاران طالب و در نتیجه برقراری روابط حسنه سیاسی، اقتصادی و همکاری های استراتژیکی با آنها وجود دارد، فقط مسدود بودن مکاتب دخترانه است. یعنی همان حقی بود که طالبان در اول از مردم گرفته بودند تا بعدا به حیث یک برگ برنده آن را مورد استفاده قرار بدهد. این در حالی است که هزاران زن از کار برکنار و هزاران کارمند دولت توسط «پای لوجان» بیسواد و جاهل طالب جایگزین شدند، با این حال ایالات متحده آمریکا از آغاز سلطه مجدد طالبان بر کشور بیشتر از یک میلیارد دالر به رژیم طالبان بخشیده است، اما ۳۰ میلیون جمعیت کشور زیر خط فقر اقتصادی قرار داشته و در بدترین شرایط زندگی سرتاسری و گرسنگی دست و پا می زنند.

بلی دوستان،

زنان قهرمان معترض در کابل به رسمیت شناختن طالبان را «لکه ننگ بر دامن جهان» خوانند. در آستانه برگزاری نشست توطئه آمیز دوحه به میزبانی سازمان ملل، مخالفت شان را با راهپیمایی و اعتراض اعلام و به نمایش گذاشتند. آن ها ضمن اشاره بر نقض حقوق شان توسط سران زن ستیز گروه طالبان هرگونه تلاش و بهانه جویی برای به رسمیت شناختن حکومت این گروه از سوی جامعه جهانی را مهر تاییدی بر نقض صریح حقوق بشری خویش خواندند و یکبار دیگر رسالت و نقش پیشاهنگی شان را در رستاخیزی که به راه انداخته اند، به اثبات رساندند: «میرزمیم میمیریم حق خود را می گیریم»، این صدای دادخواهی زنان افغان بود که در کوچه و پس کوچه های افغانستان به مثابه طوفان سهمگینی پیچید.

تظاهرات کابل به نتایج آنی شان نایل شدند، طوری که سازمان ملل متحد پس از واکنش های گسترده مردم به اظهارات امینه محمد تحت عنوان «بررسی شرایط به رسمیت شناختن» گروه طالبان، اعلام کرد که: «به رسمیت شناختن حکومت این گروه در محور نشست دوحه قرار ندارد».

این ثبوت دیگری است که هرگاه توده ها از یک حنجره صدا بیرون آورند، زمین زیر پای جهانخواران می لرزد.

بر طبق گزارش های کنونی، دبیر کل سازمان ملل متحد در رابطه با به رسمیت شناختن امارت طالبان مصمم است عنقریب نشست دیگری را در مورد افغانستان در پشت درهای بسته و به دور از چشم مردم افغانستان در دوحه برگزار کند.

در عین حال دوشنبه گذشته شماری از چهره های به ظاهر مخالف طالبان در وینا، پایتخت اتریش، گرد هم آمدند که مبین همان تمایل شدید طمع جویانه و حرص سیری ناپذیر آنها به قدرت و غنائم بود که لعنت ما و همه مردم افغانستان نثار شان باد.

چنین اوضاع مستلزم موضعگیری فعال و آمادگی سازنده احزاب سیاسی ملی، مترقی و انقلابی، سازمانها، اتحادیه ها، تشکلات، گروه ها و دسته های ملی و مردمی برای ایجاد یک وحدت سرتاسری و تشکیل یک نیروی رزمنده و دوران ساز است. سازمانها و گروه های انقلابی ای که با گذشت بیشتر از هفت دهه با دادن قربانی های بزرگی در طوفان مبارزات سهمگین توده ها، زمانی که یکی از بزرگترین قدرت های نظامی و سیاسی جهان بر زندگی مردم ما شبیخون زده بود، از جاده های مخوف جنگ، خون و آتش عبور کردند، هنوز زنده و استوار بر جا ایستاده اند.

روی سخن ما به سوی آنهایی نیست که با عظالت سنگ پستان می خزند. این اوضاع نیاز به تماشایچانی ندارد که چون جغد کوری بر شاخ های بلندی راحت نشسته و در فعل و انفعالات سیاسی افغانستان سهمی ندارند، از هیچ متأثر نیستند و بر هیچ چیز اثر نمی گذارند. این در حالی است که این نیروها هنوز هم در مقایسه با چند سیمای فرتوت مطرح کنونی، از نگاه کمی با ظرفیت های چشمگیر و از نگاه کیفی صاحبان درایت علمی، تخنیکی، سیاسی به مراتب بیشتر هستند. این نیروها مانند میلیارد ها دلار ارزشهای طبیعی این کشور در شهرها، در قصبات، در دهات و حتی بیرون از مرزهای این کشور وجود دارند و هر یک می تواند بر اوضاع بحرانی کنونی

اعلامیه جبهه مردم افغانستان (جما)

موثر باشند. آنها با اندک جنبیدن و حرکت می توانند مسیر سیاست های کنونی را تغییر دهند، مردم و کشور را در جاده استقلال و آزادی و تأمین عدالت اجتماعی بسوی شکوفایی و ترقی سوق و رهنمون شوند.

حوادث اخیر نشان می دهد که شورای دزدان (شورای نظار)، جبهه آزادی، حزب تحریر، داعیش و.. بر وظایف قبلی شان برگشته اند، تا مواضع برادران فکری شان یعنی گروه جنایتکار طالبان را همزمان با تاریخ انقضای شان پُر سازند.

اما سؤال این است که آیا هنوز هم مردم از این عناصر فروخته شده و داره های دزدان حمایت و پشتیبانی می کنند؟ هرگاه پاسخ ما منفی است، پس بدیل چیست؟ این پاسخی است که مردم باید از سازمانها و احزاب ملی و مترقی گروه ها و دسته های انقلابی دریافت کنند.

بنأ مقتضیات زمان و شرایط رقت بار حیات توده های تحت ستم، نیروهای انقلابی را ملزم و مکلف می سازد تا برای یک رستاخیز ملی - دموکراتیک حول یک محور واحد، بخاطر احیای منافع ملی، حرکتی را متشکل از تمام اقشار جامعه، البته به استثنای مهره های فاسد، غارتگر و توطئه گر ارتجاعی رژیم های گذشته؛ راه اندازی کنند، آینده درخشان خود و نسل های بعد از خود را با دستان خود رقم زنند.

جبهه مردم افغانستان (جما) مصمم بر آن است که در صف مقدم مبارزه قرار داشته و از تمام مردم شریف افغانستان بشمول نهاد ها و سازمانهای سیاسی غیر وابسته، شخصیت های متنفذ ملی و سیاسی دعوت بعمل می آورد که با سهمگیری فعال در این رستاخیز تاریخی، دین ملی و انقلابی خویش

را ادا نمایند.

